

برگرفته از روزنامه نخست- کابل

یشت پرده ی حمله های پاکستان



چهارشنبه ۱۵ سرطان ۱۳۹۰

اگرچه رییس جمهوری افغانستان در تازه ترین موضعگیری خود در ارتباط کشته و زخمی شدن ده ها تن از شهروندان افغانی گفته است که دولت افغانستان در برابر پاکستان واکنش بالمثل نشان نخواهد داد اما مردم ما با درد زیسته اند، با درد خو گرفته اند و با درد تعریف می شوند، شاید یکی از دردمند ترین مردمان جهان در طول تاریخ سه قرن اخیر باشد. حاکمان افغانستان به دلیل حماقت و زیاده طلبی همواره بر این مردم ظلم روا داشتند و مردم را از حق زندگی انسانی و مدنی محروم کردند.

آنگاه که حاکمان نادان و پر ادعا در کشور حکومت می کرده اند بازهم کوشیده اند بار جنگ های احمقانه را به دوش این مردم بیفکنند و هزاران مصیبت را بر این مردم تحمیل کرده اند تا به نامی دست یابند.

اما وقتی حکومت ها به صورت مدرن تری بوجود آمدند، فساد و استبداد گسترده شانه های این مردم رافسرده ساخته است. تا حال که شانه های این مردم زخمی است و هر روز که می گذرد این زخم ها عمیق تر می گردد. شاید تقدیر چنین بوده که ما از یک سوی حاکمان مستبد و ناکارآمد داشته باشیم!

و امروز حکومت ما از فاسد ترین و نا کارآمد ترین حکومت ها شمرده شود از سوی دیگر همسایگان فرصت طلب، زیاده خواه و بد اخلاق.

چند هفته پیهم است که نظامیان خون آشام پاکستان بی محابا و بدون در نظر داشت کم ترین پای بندی به ارزش های اخلاق انسانی - اسلامی و حسن هم جوارگی بر مناطق شرق کشور آتش می بارند، جمعی به شهادت رسیده اند و خیلی ها را زخمی کرده اند و کثیری از خانواده ها نیز آواره شده اند. از پاکستان و از سیاست مداران ناعاقبت

اندیش آن کشور گله ای نیست که طبیعت آنان درنده خویی و خون اشامی و بد اخلاقی بوده است. یکی از عوامل بد بختی ما همین است که ما در کنار همسایه ای به نام پاکستان قرار داریم و به جای پاکستان هر کشوری بود، بهتر از این بود و سیاست مدارانی که در بستر تزویر و ریا و تظاهر و مزدوری زیسته اند و در طول حیات خویش جز خیانت و جنایت و خباثت و دغلبازی در حق همسایگان خویش روا نداشته اند. خون اشامی و درنده خویی و دشمن کیشی برای سیاست مداران پاکستانی یک روند و پارادایم است. از وقتی پاکستان از نیم قاره جدا شده و نام پاکستان به خود گرفته است همانند فرزند حرامی هر کاری خواسته است انجام داده و از هیچ جنایتی ابا نورزیده. این خوی هم در میان سیاست مداران سیکولار و دین گریز آنها وجود داشته و هم در میان سیاست مدارانی که دم از خدا و اسلام می زده اند. بوتو و اولاد او نمونه سیاست مداران سیکولار در آن کشور است که دین و سوسیالیزم را بهم در آمیخته بود و هم جنرال ضیالالحق است که دست پرورده های آن امروز به سادگی آدم می کشند و جنایت روا می دارند.

آنچه مایه تعب و تعجب است، سکوت حکومت افغانستان است که تا هنوز دم فرو بسته هیچ لب به اعتراض و احتجاج نگشوده و آن درنده خویی و این بی عملی را چگونه می توان توجیه کرد؟

پاره پی از تحلیل گران بدین باور اند که آنچه پاکستان انجام می دهد روی دیگری از بحرانی است که در کشور ماجریان دارد. آن حملات هماهنگ با مواضع حکومت افغانستان و برای منحرف کردن اذهان عمومی صورت می گیرد. این گروه چنین استدلال می کنند که حکومت افغانستان با ایجاد دادگاه ویژه و اعلام نتایج حاصل از تحقیق آن، با مخمصه بزرگی مواجه شده است و هر روز که می گذرد، حکومت افغانستان در تنگناهای زیادتری قرار می گیرد. لذا برای آن که از این بحران رهایی پیدا کند و فشار افکار عمومی را کاهش داده باشد به آتش باری های پاکستان رضایت داده و سکوت کرده است. تا افکار عمومی را متوجه مرز های پاکستان کند و فشار کمتری بر حکومت افغانستان وارد شود.

اما پاره ی دیگری از تحلیل گران بدین باور اند که آن آتش باری ها همزمان با تصمیم مقام های امریکایی است که قرار است تا یک سال دیگر حدود سی و سه هزار نیرو های نظامی را از افغانستان بیرون ببرند. پاکستانی ها می خواهند به حکومت افغانستان بفهماند که

پاکستان دست از ادعای خود بر نخواهد داشت. اگر امریکایی ها از افغانستان خارج شوند ادعای های پاکستان پا برجای خواهد بود و حکومت افغانستان باید به خواسته های پاکستان تن در دهد. البته گمانه های فراوان دیگری نیز وجود دارد آن این که پاکستان ادعاهای تعریف نا شده یی دارد که تا هنوز ابراز نکرده است. این که پاکستان خواهان گرفتن امتیاز های سیاسی - اقتصادی از امریکا تضمین آن کشور است که در صورت خروج از افغانستان باید آن تضمین ها را به حکومت پاکستان بدهد یا آن که در آستانه خروج نیرو های غرب از افغانستان می خواهند به غربی ها بفهمانند که باید تضمین هایی از سوی حکومت افغانستان بگیرد؛ به هر حال آن چه گفته شد گمانه هایی است که وجود دارد. حال کدام یک واقعی است هنوز مشخص نیست ممکن است همه خواسته ها مدنظر پاکستان باشد و ممکن هم است که خواسته های بیشتری از سوی پاکستان دنبال شود به هر صورت آنچه اهمیت دارد آنست که مقام های غربی از جمله امریکایی ها بدین باور رسیده اند که بدون هم کاری پاکستان نمی توان امنیت لازم را در افغانستان بر قرار کرد و برخی سران آن کشور گمان دارند که پاکستان کشوری است که وابستگی شدید اقتصادی به امریکا دارد لذا بیم آن می رود که امریکایی ها از افغانستان خارج شود اما پاکستان تضمین لازم را نگرفته باشد. لذا پاکستان می خواهد در دو زمینه از غربی ها تضمین بگیرد؛ اول این که کمک های اقتصادی آن کشور ادامه داشته باشد؛ دو، این که هندوستان چشم طمع به آن کشور نداشته باشد.

اما این که مقام های امریکایی به این خواسته های پاکستان توجه خواهند کرد یانه؛ پرسشی است که پاسخ گفتن بدان نیازمند زمان و شرایط لازم است.

آنچه برای مردم افغانستان دردآور و شکنجه زا است آنست که مردم ما همیشه وجه المصالحه یا هم وجه المناقشه میان قدرت ها قرار گرفته است، و امروز از دو جانب مورد تجاوز قرار گرفته، از یک سوی حکومت پاکستان با تجهیز طالبان، به کشتار و خشونت مردم ما دست یازیده اند از سوی دیگر حکومت پاکستان به صورت مستقیم و با تجاوز بی شرمانه به خاک افغانستان مردم کشور ما را به قتل می رساند.

Last Updated (چهارشنبه, ۱۵ سرطان ۱۳۹۰: ۰۹:۲۸)